

## تاریخ ایران

تاریخ ایران به دو بخش تاریخ ایران پیش از اسلام و تاریخ ایران پس از اسلام تقسیم می‌شود.

## دودمان‌های دوره پیش از اسلام

- ماد (آغاز قرن هشتم ق. م. ۵۵۰ ق. م.) بنیان‌گذار (دیاکو) (هوخشتره)
- هخامنشی (۵۵۹ ق. م. - ۳۳۰ ق. م.) بنیان‌گذار کوروش کبیر شهریار معروف داریوش
- سلوکیان (۳۳۰ ق. م. - ۱۲۹ ق. م.) بنیان‌گذار سلوکوس یکم
- اشکانیان (۲۵۶ ق. م. - ۲۲۴ م.) بنیان‌گذار اشک یکم شهریاران بزرگ مهرداد یکم ارد یا اشک سیزدهم
- ساسانیان (۲۲۴ م. ۶۵۲ م.) بنیان‌گذار (اردشیر بابکان) شهریاران بزرگ شاپور ۱ شاپور دوم و انوشیروان دادگر.

## دودمان‌های دوره پس از اسلام

- طاهریان (۲۰۶ - ۲۵۹ ه. ق.) بنیان‌گذار طاهر بن حسین ذوالیمینین
- صفاریان (۲۶۱ - ۲۸۷ ه. ق.) بنیان‌گذار یعقوب بن لیث صفار
- سامانیان (۲۶۱ - ۲۸۹ ه. ق.) بنیان‌گذار نصر اول شهریاران بزرگ اسماعیل بن احمد و نصر بن احمد
- زیاریان (۳۱۵ - ۴۶۲ ه. ق.) بنیان‌گذار مرداویج پسر زیار شهریار معروف قابوس بن وشمگیر
- بوییان (۳۲۰ - ۴۴۰ ه. ق.) بنیان‌گذار عمادالدوله علی شهریار بزرگ عضدالدوله
- غزنویان (۲۸۸ - ۵۵۵ ه. ق.) بنیان‌گذار سلطان محمود غزنوی
- سلجوقیان (۴۲۹ - ۵۱۱ ه. ق.) بنیان‌گذار طغرل بیک شهریاران بزرگ ملکشاه و سلطان سنجر
- خوارزمشاهیان (۴۷۰ - ۶۱۷ ه. ق.) بنیان‌گذار (انوشتکین غرجه) شهریاران معروف: محمد خوارزمشاه
- ایلخانان مغول (۶۵۴ - ۷۳۶ ه. ق.) بنیان‌گذار هولاکو خان
- تیموریان (۷۷۱ - ۹۰۳ ه. ق.) بنیان‌گذار تیمور گورکانی

- صفویان - (۹۰۶ - ۱۱۲۵ ه. ق.) بنیان‌گذار شاه اسماعیل اول شهریار بزرگ شاه عباس
- افشار (۱۱۴۸ - ۱۱۶۱ ه. ق.): بنیان‌گذار نادر شاه
- زند (۱۱۶۲ - ۱۲۰۹ ه. ق.) بنیان‌گذار کریم خان زند
- قاجار (۱۲۰۹ - ۱۳۴۵ ه. ق.) بنیان‌گذار آغا محمد خان شهریار نامی ناصرالدین شاه
- پهلوی (آغاز ۱۳۴۵ ه. ق / ۱۳۰۴ ه. ش. - ۱۳۵۷ ه. ش) بنیان‌گذار رضا شاه
- حکومت جمهوری اسلامی (آغاز ۱۳۵۷ ه. ش.) بنیان‌گذار روح الله موسوی خمینی

## پایتخت‌های ایران

پایتخت‌های ایران در طول تاریخ:

پایتخت‌های ایران	
همدان	ماد:
هخامنشیان: شوش   پاسارگاد	
اشکانیان: دامغان   اشک‌آباد	
تیسفون	
ساسانیان: تیسفون	
بخارا   نیشابور   مرو	طاهریان:
زرنج	صفاریان:
بخارا	سامانیان:
اصفهان	زیاریان:
همدان   ری   شیراز	بویان:
مراغه   تبریز	ایلخانیان:
اردبیل   تبریز	صفویان:

قزوین   اصفهان
ساری
افشاریان: مشهد
زندیان: شیراز   کرمان
قاجاریان: ساری   تهران
پهلوی: تهران

### ماد

ماد نام سرزمین دربرگیرنده بخش غربی فلات ایران بود. مجموعه لشکرکشی های آشور به سرزمین ماد در قرن هشتم پ. م. و خطر حمله از غرب بوسیله دولت زورمند آشور، نیاز تشکیل یک دولت متمرکز را برای مادها که جدیدترین مهاجران به زاگرس بودند بوجود آورد

مادها پایه های نخستین شاهنشاهی (۷۲۸-۵۵۰ پ.م.) آریایی تباران را در ایران بنیاد نهادند. در آغاز قرن ۶ پ. م. با شکست آشور و فتح شرق لیدیه پادشاهی ماد تبدیل به شاهنشاهی بزرگی در آسیا شد. امپراتوری ماد در زمان، هوخشتره به بزرگترین پادشاهی غرب آسیا حکومت می کرد و سراسر ایران را آن چنان که در نقشه سرزمین ماد هویدا است برای اولین بار در تاریخ به زیر یک پرچم آورد. هوخشتره بنیانگذار اولین قدرت ایرانی بود.

پایه گذاری دولت ماد به عنوان نخستین دولت بر پایه وحدت اقوام مختلف ساکن فلات ایران با مشترکات و پیوندهای فرهنگی را باید به عنوان مهمترین رویداد در تاریخ ایران به شمار آورد.

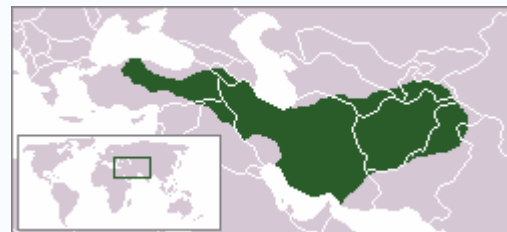
### سرزمین ماد



سرزمین ماد ۶۷۵ پ.م.

ماد نام سرزمینی بود که تیره ایرانی مادها در آن ساکن بودند. این سرزمین دربرگیرنده بخش غربی فلات ایران بود. سرزمین آذربایجان فعلی در شمال غربی فلات ایران را با نام ماد کوچک و ناحیه امروزی تهران (ری)، حوزه شمال غربی کویر مرکزی، همدان، کرمانشاه، لرستان، و کردستان را با نام ماد بزرگ می‌شناختند. پایتخت ماد در گذشته هگمتانه نام داشت که بعدها به اکباتان تغییر نام داد.

### اقوام ماد



سرزمین ماد ۶۰۰ پ.م.

مطابق منابع کهن آشوری و یونانی و ایرانی در مجموع معلوم می‌گردد که سه قوم از شش قوم تشکیل دهنده اتحاد مادها یعنی بوسیان (کردوخی ها و میتانی ها)، ستروخاتیان (ساگارتی ها، کرمانجها) و بودیان (لرها) متعلق به کردها و لرها بوده و سه قوم مادی دیگر عبارت بوده اند از آریزانتیان (قوم نجای ماد) که در حدود کاشان میزیسته اند و مغها که در ناحیه بین رغه آذربایجان (مراغه) و رغه تهران (ری) ساکن بوده اند و سرانجام پارتاکانیان (یعنی مردمی که در کنار رود زندگی می‌کنند) همان مردم منطقه اصفهان بوده اند.

مطابق منابع یونانی، در سرزمین کمنداندازان ساگارتی (زاکروتی، ساگرتی) (همان استان کرمانشاهان کنونی) مادی های ساگارتی میزیسته اند که شکل بابلی - یونانی شده نام خود یعنی زاگروس (زاکروتی، ساگرتی) را به کوهستان غرب فلات ایران داده اند. نام همین طوایف است که در اتحاد طوایف پارس نیز موجود است و خط پیوند خونی طوایف ماد و پارس منجمله از منشا همین طایفه ساگارتی ها (زاکروتی، ساگرتی)

است، طوایف پارس قبل از حرکت به سوی جنوب دورانی طولانی را در مناطق مادها بوده و بعدها رو به جنوب رفته اند.

### ظهور پادشاهی ماد

به گفته مورخین یونانی، پس از حملات شدید و خونین آشوریان به مناطق مادنشین، در حدود سال ۷۰۸ قبل از میلاد، رهبر یکی از قبایل مادی دیاکو بوسیله مجلس اتحادیه، به عنوان رهبر قبایل مادی انتخاب شده و وظیفه تشکیل یک دولت مرکزی به عهده وی گذاشته می شود. این رهبر، دیاکو (دیوکس در یونانی) با متحد کردن قبایل پراکنده مادی و برقراری قوانین مختلف، به عنوان اولین رهبر ماد شناخته می شود و اوست که پایتخت خود را در همدان امروز (هنگمتان، همربیشه با هنگمن و انجمن، به معنای محل جمع شدن) قرار می دهد.

یکی از کتیبه های آشوری از شخصی به نام دیاکو، بیست سال قبل از تاریخ انتخابش به عنوان شاه مادها، نام می برد. این شخص آغاز کننده چند شورش بر علیه دولت آشور است که برای خواباندن آنها، حضور شخص امپراتور آشور لازم است. دیاکو و تمام اعضای خانواده اش به تبعید محکوم می شوند و نام او در کتیبه ها دیگر نمی آید. بیست سال بعد، دیاکو به عنوان شاه ماد انتخاب می شود و با پایه گذاری دولت ماد، به عنوان یک دشمن متمرکز آشور، دوباره به صحنه تاریخ بازمی گردد.

### شاهان ماد

#### دیاکو

دیاکو در (۷۲۸ پ.م.) به شاهی رسید و شهر همدان (هگمتانه آنروزگار) را پایتخت خویش قرار داد. وی دستور ساخت هفت دیوار تودرتو و استوار را در همدان داد که درون این دیوارها باغ و بیشه و بوستان فراوانی پدید آوردند. این سازه شگفت انگیز پایتخت ایران آن روزگار بود. دیاکو ۵۲ سال پادشاهی کرد.

#### فرورتیش

پس از او فرورتیش ۲۲ سال (دوره حکومت: ۶۷۵-۶۵۳ پ.م.) حکومت کرد و قبائل ایرانی را به اطاعت کشید. نگاه وارد جنگ با دولت آشور شد ولی در برابر آشوریها شکست یافت و کشته گردید. فرورتیش بر سرزمین ماد از حدود ری تا اصفهان و آذربایجان و کرمانشاه و کردستان و همدان سلطنت میکرده است.

بیشتر حکومت فرورتیش به نظم دادن به قبایل مادی و جنگیدن با دشمنان خارجی گذشت. مدارک آشوری و بابلی به خطراتی که مادها از شرق خود احساس می کردند اشاره نمی کند، اما قبایل شمال دولت ماد (سکاها و کیمریها)، از اهمیت خاصی برای مادها و آشوریها برخوردار بودند. در حدود اوایل قرن هفتم قبل از میلاد، در زمان حکومت دیاکو و اوایل حکومت فرورتیش، قبایل کیمریها که از صحرائشینان دشتهای جنوبی دریای سیاه بودند، به ماد و آشور حمله کردند. امکان ایرانی بودن قبایل کیمریها، احتمالاً دلیل اصلی آنها برای تشکیل یک اتحادیه با مادها بر علیه دولت آشور بود. حملات کیمری به آشور ضرباتی به آن دولت وارد کرد، اما در شکست دادن کامل آشور و پادشاه بزرگ آن، آشورحدون، ناموفق بود.

#### خشتریته

پس از فرورتیش رهبری مادها را خشتریته (دوره حکومت: ۶۵۲-۶۲۵ پ.م.) در دست گرفت. به دنبال حمله مجدد آشور به مادها خشتریته برای پایان دادن به حملات آشور با ماننا و سکاها پیمان دوستی بست و عملاً با آشور وارد جنگ شد. داستان سلطنت سکاها در ماد خطا است دولت ماد در این فاصله قدرت خود را مستحکم کرد. خشتریته در سال ۶۲۵ پ. م. در گذشت.

#### هوخشتره

پس از خشتریته، پسرش هووخشتره (کیاکسار) (دوره حکومت: ۶۲۵ تا ۵۸۵ پ.م.) به شاهی رسید. هووخشتره اولین پادشاهی است که یک سلطنت سراسری را در ایران تشکیل داد و ایران را به عنوان یک قدرت مهم جهان آن زمان مطرح کرد.

#### ایشتوویگو

ایشتوویگو (دوره حکومت: ۵۸۵ تا ۵۵۰ پ. م) واپسین پادشاه ماد و جانشین ههوخشتره بود. در مورد حکومت او اطلاعات زیادی در دست نیست و بیشتر روایات یونانی و پارسی، به اواخر سلطنت او و نابودی حکومت ماد به دست کورش بزرگ اشاره می کنند.

ایشتوویگو متهم به ترجیح دادن شکوه و راحتی دربار آشور به زندگی سخت و ارتشی مادی شده است و انحطاط قدرت ماد را بیشتر به او نسبت می دهند. در صورت قبول، می توان تصور کرد که بیشتر آثار باقی مانده از دوران مادها، بخصوص آثار بجای مانده در تپه نوشی جان [۱]، به دوران سلطنت ایشتوویگو بر می گردد. همچنین، راحتی هایی که در دوران هخامنشی به عنوان «تنپروری مادی» در سلطنت ایشتوویگو خوانده شده را، شاید به جای دوران انحطاط ماد، زمان انتقال زندگی قبایل ایرانی از طرز زندگی صحرائنشینی به شهرنشینی بنامیم و آنرا آغاز واقعی تمدن ساکن قبایل ایرانی بدانیم.

#### جنگ های اشور و کشور ماد

از سال ۶۷۲ پ م جنگهای مادها و آشور دوباره پا میگیرد از این زمان به بعد در اسناد آشوری ها از کشور ماد نیرومند سخن میرود که نشان از به رسمیت شناخته شدن موجودیت دولت مادها از طرف آشوری ها است. در حدود سال ۶۵۰ پ. م. پادشاهی ماد دولت بزرگی در ردیف ماننا و اورارتو و عیلام بود. بعد از کیمریها، یکی دیگر از قبایل صحرائشین شمال قفقاز، سکاها، به منطقه شمال غرب ایران حمله کردند و در سر راه خود، دولت اورارتو در غرب دریاچه اورمیه و شرق آناتولی را نابود کردند.

#### آشوربانیپال پادشاه آشور

در زمانی که آشوربانیپال پادشاه نیرومند آشور بر سر قدرت بود جنگی بین مادها و آشوری ها در نگرفت ولی جنگ های آشور و عیلام تا نابودی دولت عیلام در سال ۶۴۰ پ م ادامه یافت. آشور بانیپال در سال ۶۲۳ پ م در گذشت. دولت ماد در این فاصله قدرت خود را مستحکم تر کرد.

#### تشکیل سلطنت سراسری مادها در ایران

هوخشتره، (کیاکسار مدارک یونانی)، بزرگترین پادشاه ماد است. توانایی های او در منظم کردن ارتش و بستن توافق نامه های خارجی با دولتهای همسایه، او را به قدرتمندترین شاه غرب آسیا در زمان خودش تبدیل کرد. هوخشتره در ده سال اول حکومتش موفق شد که رابطه اش را با پادشاه سکاها، پروتوتیس، به اتحاد متقابل تبدیل کند.

هوخشتره ارتشش را به دو قسمت پیاده نظام مجهز به نیزه و سوارنظام تیر انداز (شکلی که از سکاها آموخته بود) تقسیم کرد و برای اولین بار از ارابه های جنگی مجهز به نیزه های برنده که صد سال بعد در جنگهای کوروش و داریوش معروف شدند، استفاده کرد.

در این زمان، آشور بنی پال دوم، شاه نیرومند و بی رحم آشور، در گذشته بود. از طرفی، یک حکومت کلدانی جدید در بابل در حال شکل گیری بود و شاه آن، نبوپولسر، در صدد گسترش مرزهای کشورش بود و موفق شده بود بخشهایی از مملکت عیلام را نیز تصرف کند. هوخشتره، تصمیم به برقراری یک توافق نامه برعلیه آشور با نبوپولسر گرفت.

در زمان حکومت هوخشتره ماد قبایل آریازتا و پارتاکانیان را در نواحی ری و اصفهان و دیگر قبایل ایرانی شرق را تا ناحیه گرگان به اطاعت کشاند و دولت نیرومند ماد را تشکیل داد هوخشتره سپس به پارس حمله کرد و قبایل پارس را به اطاعت در آورد.

#### حمله ماد و نابودی دولت آشور

هوخشتره شاه ماد در حمایت از بابل به آشور اعلان جنگ داد. هوخشتره در سال ۶۱۴ پ م از کوه های زاگروس گذشت و ضمن تسخیر آبادی های آشوری سر راه، شهر آشور پایتخت دولت آشور را در محاصره گرفت. پس از سقوط شهر آشور، پادشاه بابل در شهر آشور به دیدار هوخشتره آمد و در آنجا پیمان دوستی ایران و بابل تجدید شد. در سال ۶۱۳ پ. م. شاه آشور در نینوا بود و این شهر نیز در سال ۶۱۲ پ. م. تسخیر شد. نیروهای ماد و بابل، پایتخت عظیم آشور را با خاک یکسان کردند و برای همیشه به تاریخ این امپراتوری بزرگ پایان دادند.

شکست آشور و فتح شرق لیدیه

در آغاز قرن ۶ پ. م. با شکست آشور و فتح شرق لیدیه پادشاهی ماد تبدیل به شاهنشاهی بزرگی در آسیا شد. خاورمیانه بین دو پادشاهی نیرومند تقسیم شد: یکی دولت بابل و دیگر دولت ماد.

صعود پادشاهی ماد به شاهنشاهی آسیایی



امپراتوری ماد (۵۵۰ پ.م.)

در این زمان، هخامنشیه به بزرگترین پادشاهی غرب آسیا حکومت می کرد. ماد، اورارتو، آشور و سوریه زیر حکومت او قرار داشتند. پادشاهی عیلام که نیم قرن قبل به دست آشوربانی پال نابود شده بود، در دروازه های شرقی اش را به روی قبایل پارس باز کرده بود. پادشاه انشان، پایتخت شرقی عیلام، در این زمان یک پارسی بود و پارسیان دیگر کم کم با جامعه نوعیلامی آمیخته می شدند، اما هم انشان و هم بقیه پارس، خراجگذاران پادشاه ماد بودند.

دولت ماد در کار ایجاد سازمانی گسترده و دقیق و متکی بر نهادهای قدرتمند در زمینه های سیاسی- اقتصادی- نظامی توفیق یافت. دیاکونوف با توجه به سنگ نبشته بیستون میگوید که سازمان دولتی و سازمان اجتماعی پارس تحت نفوذ شدید نظامات مادها بوده است.

هخامنشیه در کشورش دست به اقدامات عمرانی زد و همزمان قلمرو خود را در شرق به رود جیھون رساند و به زودی پارس و کرمان را نیز ضمیمه کشورش کرد و سراسر ایران را آن چنان که در نقشه سرزمین ماد هویدا است برای اولین بار در تاریخ به زیر یک پرچم آورد. مردمانی که امروزه از تبار مادها به شمار می آیند عبارت اند از مردم سرتاسر ایران. هخامنشیه بنیانگذار اولین قدرت ایرانی بود.

## وحدت اقوام مختلف سراسر ایران

پایه گذاری دولت ماد به عنوان نخستین دولت بر پایه "وحدت ملی" اقوام مختلف ساکن فلات ایران با مشترکات و پیوندهای فرهنگی را باید به عنوان مهمترین رویداد در تاریخ ایران به شمار آورد.

### نابودی پادشاهی ماد

با شکستی (۵۵۰ پ م) که کوروش بزرگ بر ایشتوویگو (دوره حکومت: ۵۸۵ تا ۵۵۰ پ. م) واپسین پادشاه ماد وارد ساخت شاهنشاهی ماد منحل شد. شاهنشاهی بزرگ ماد دورانی طولانی (۷۲۸-۵۵۰ پ. م.) برپایید و جای خود را به شاهنشاهی هخامنشی سپرد، که چیزی جز تداوم دولت و تمدن ماد با همان اقوام نبود.

معماری مادی که بعد از آشور تحت تاثیر معماری باشکوه اورارتو بود، با وارد کردن عوامل ایرانی، پایه گذار آثار درخشان دوران هخامنشی نظیر پارسه تخت جمشید و شوش شد. بسیاری دیگر از نشانه های تمدن های بین النهرین نیز از طریق مادها به هخامنشیان انتقال پیدا کرد، به طوری که تا قرنهای بعد، نظم دربار ایران و تقریباً بیشتر جنبه های باشکوه و فرهنگی جامعه ایران، از طرف نویسندگان یونانی به مادها نسبت داده می شود. سلطنت ایشتوویگو موقعیت ماد را از یک حکومت قدرتمند بر مبنای قدرت نظامی به مرکزی برای فرهنگ تغییر داد. آثار این نفوذ فرهنگی را در توجه بسیار شاهنشاهان هخامنشی به ماد، علاقه آنها به فرهنگ و آداب مادی، نفوذ دین مادی بین مردم ایران از طریق قبیله مغ، و با توجه به سنگ نبشته بیستون موقعیت ماد به عنوان مرکز فکری برای نیروهای مخالف دولت هخامنشی می توان دید.

### ظهور و صعود هخامنشیان

هخامنشیان نخست پادشاهان بومی پارس و سپس انشان بودند با شکست مادها (۵۵۰ پ م) و تشکیل شاهنشاهی هخامنشی و سپس فتح کامل لیدیه و بابل پادشاهی هخامنشیان تبدیل به بزرگترین شاهنشاهی شناخته شده جهان شد.

## جستارهای وابسته

- مادها
- کاسی
- ایلامیان
- زبان مادی
- تپه هگمتانه
- تاریخ ایران
- تاریخ ایران پیش از اسلام

## پیوند به بیرون

- ماد
- مادها
- سرزمین ماد
- ایران از دیدگاه باستانشناسی
- نیاکان باستانی کردان لران ترکان آذربایجان
- سنگ‌نبشته‌ی داریوش بزرگ در بیستون
- خاندان کیانی (مادی) همان خاندان نخستین انسانهای تورات می باشند



## پادشاهان ماد

دیاکو - فرورتیش - خشتریه - هووخشتره -

## ایشتوویگو

### هخامنشیان

هخامنشیان نام دودمانی پادشاهی در ایران پیش از اسلام است. پادشاهان این دودمان از پارسیان بودند و تبار خود را به «هخامنش» می‌رسانند که سرکرده طایفه پاسارگاد از طایفه‌های پارسیان بوده است. هخامنشیان نخست پادشاهان بومی پارس و سپس انشان بودند ولی با شکستی که کوروش بزرگ بر ایشتوویگو واپسین پادشاه ماد وارد ساخت و سپس فتح لیدیه و بابل پادشاهی هخامنشیان تبدیل به شاهنشاهی بزرگی شد. از این رو کوروش بزرگ را بنیادگذار شاهنشاهی هخامنشی می‌دانند.

به قدرت رسیدن پارسی‌ها و سلسله هخامنشی (۵۵۰-۳۳۰ قبل از میلاد) یکی از وقایع مهم تاریخ قدیم است. اینان دولتی تأسیس کردند که دنیای قدیم را به استثنای دو سوم یونان در تحت تسلط خود در آوردند. شاهنشاهی هخامنشی را نخستین امپراتوری تاریخ جهان می‌دانند.



قلمرو هخامنشیان در دوران اوج خود

کشور و سرزمین

پارسی‌ها مردمانی آریایی نژاد بودند که مشخص نیست از چه زمانی به فلات ایران آمده بودند. آنان از قوم آریایی پارس یا پارسواش بودند که در کتیبه‌های آشوری از سده نهم پیش از میلاد مسیح نام آنان آمده است. پارس‌ها همزمان با مادها به نواحی غربی ایران سرزیر شدند و پیرامون دریاچه ارومیه و کرمانشاهان ساکن گردیدند. با ضعف دولت عیلام، نفوذ قوم پارس به خوزستان و نواحی مرکزی فلات ایران گسترش یافت.

برای نخستین بار در سالنامه‌های آشوری سلمانسر سوم در سال ۸۲۴ ق.م، نام کشور «پارسوا» در جنوب و جنوب غربی دریاچه ارومیه برده شده است. بعضی از محققین مانند راولین سن عقیده دارند که مردم پارسواش همان پارسی‌ها بوده‌اند. تصور می‌شود اقوام پارسی پیش از این که از میان دوره‌های جبال زاگرس به طرف جنوب و جنوب شرقی ایران بروند، در این ناحیه توقف کوتاهی نمودند و در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد در ناحیه پارسوماش، روی دامنه‌های کوه‌های بختیاری در جنوب شرقی شوش در ناحیه‌ای که جزو کشور ایلام بود، مستقر گردیدند. از کتیبه‌های آشوری چنین استنباط می‌شود که در زمان شلم نصر (۷۲۱-۷۱۲ ق.م) تا زمان سلطنت آسارهادون (۶۶۳ ق.م)، پادشاهان یا امراء پارسوا، تابع آشور بوده‌اند. پس از آن در زمان فرورتیش (۶۵۵-۶۳۲ ق.م) پادشاه ماد به پارس استیلا یافت و این دولت را تابع دولت ماد نمود.

#### مردم و طوایف

هرودوت می‌گوید: پارسی‌ها به شش طایفه شهری و ده نشین و چهار طایفه چادرنشین تقسیم شده‌اند. شش طایفه اول عبارتند از: پاسارگادیان، رفیان، ماسپیان، پانتالیان، دژوسیان و گرمانیان. چهار طایفه دومی عبارتند از: دایبها، مردها، درویک‌ها و ساگارتی‌ها. از طوایف مذکور سه طایفه اول بر طوایف دیگر، برتری داشته‌اند و دیگران تابع آنها بوده‌اند.

پارس‌ها همزمان با مادها به نواحی غربی ایران سرزیر شدند و پیرامون دریاچه ارومیه و کرمانشاهان ساکن گردیدند. برای نخستین بار در سالنامه‌های آشوری سلمانسر سوم در سال ۸۲۴ ق.م، نام کشور (پارسوا) در جنوب و جنوب غربی دریاچه ارومیه برده شده است. بعضی از

محققین مانند راولین سن عقیده دارند که مردم پارسوا همان پارسی‌ها بوده‌اند.

اقوام پارسی پیش از این که از میان دوره‌های جبال زاگرس به طرف جنوب و جنوب شرقی ایران بروند، در ناحیه پارسوا توقف نمودند و در حدود سال ۷۰۰ پیش از میلاد در ناحیه پارسوماش، روی دامنه‌های کوه‌های بختیاری در جنوب شرقی شوش در ناحیه‌ای که جزو کشور ایلام بود، مستقر گردیدند. بعدها با ضعف دولت عیلام، نفوذ قوم پارس به خوزستان و نواحی مرکزی فلات ایران گسترش یافت و رو به جنوب رفته اند.

مطابق منابع یونانی، در سرزمین کمندان‌دازان ساگارتی (زاکروتی، ساگرتی) (همان استان کرمانشاهان کنونی) مادی‌های ساگارتی میزیسته اند که شکل بابلی - یونانی شده نام خود یعنی زاگروس (زاکروتی، ساگرتی) را به کوهستان غرب فلات ایران داده اند. نام همین طوایف است که در اتحاد طوایف پارس نیز موجود است و خط پیوند خونی طوایف ماد و پارس منجمله از منشا همین طایفه ساگارتی‌ها (زاکروتی، ساگرتی) است، طوایف پارس قبل از حرکت به سوی جنوب دورانی طولانی را در مناطق ماد میزیستند و بعدها با ضعف دولت عیلام، نفوذ قوم پارس به خوزستان و نواحی مرکزی فلات ایران گسترش یافت و رو به جنوب رفته اند.

طبق نوشته‌های هرودوت، هخامنشیان از طایفه پاسارگادیان بوده‌اند که در پارس اقامت داشته‌اند و سر سلسله آنها هخامنش بوده‌است. پس از انقراض دولت ایلامیان به دست آشور بنی پال، چون مملکت ایلام ناتوان شده بود پارسی‌ها از اختلافات آشوری‌ها و مادی‌ها استفاده کرده و انزان یا انشان را تصرف کردند.

این واقعه تاریخی در زمان چیش پیش دوم روی داده‌است. با توجه به بیانیه‌های کوروش بزرگ در بابل، می‌بینیم او نسب خود را به چیش پیش دوم، می‌رساند و او را شاه انزان می‌خواند.

پس از مرگ چیش پیش، کشورش میان دو پسرش «آریارومنه» پادشاه کشور پارس و کوروش که بعداً عنوان پادشاه پارسوماش، به او داده شد، تقسیم گردید. چون در آن زمان کشور ماد در اوج ترقی بود و ههوخشتره در آن حکومت می‌کرد، دو کشور کوچک جدید التاسیس، ناچار زیر اطاعت فاتح

نینوا بودند. کمبوجیه فرزند کوروش اول، دو کشور نامبرده را تحت حکومت واحدی در آورد و پایتخت خود را از انزان به پاسارگاد منتقل کرد.

### شاهنشاهان هخامنشی

مهمترین سنگ‌نوشته هخامنشی از نظر تاریخی و نیز بلندترین آنها، سنگ‌نبشته بیستون بر دیواره کوه بیستون است. سنگ‌نوشته بیستون بسیاری از رویدادها و کارهای داریوش اول را در نخستین سال‌های حکمرانی اش که مشکل‌ترین سال‌ها حکومت وی نیز بود، به طور دقیق روایت می‌کند. این سنگ‌نوشته عناصر تاریخی کافی برای بازسازی تاریخ هخامنشیان را داراست.

به واقع با وجود فراوانی منابع میانرودانی، مصری، یونانی و لاتین نمی‌توان با تکیه بر آنها نسب‌شناسی کاملی از خاندان هخامنشی از هخامنش تا داریوش را به دست آورد. برای این منظور متن سنگ‌نوشته بیستون فرصت مناسبی را در اختیار مورخ قرار می‌دهد که در آن شاه شاهان نوشته بلند خود را با تایید مجدد رابطه اش با خاندان شاهنشاهی پارسیان آغاز می‌کند و به تدریج اخلاف خود را نام می‌برد؛ ویشناسپ، آرشام، آریارمنه، چیش پش و هخامنش. این تبارشناسی به دلایل مختلف مدت‌های طولانی مورد ایراد قرار گرفته بود. زیرا در این فهرست نام دو نفر از شاهان هخامنشی که پیش از داریوش حکومت می‌کردند یعنی کوروش کبیر و کمبوجیه اول به چشم نمی‌خورد.

همین مسأله موجب شده است که مفسران سنگ‌نوشته نسبت به محتوای سنگ‌نوشته داریوش با شک و تردید نگاه کنند و او را غاصب پادشاهی هخامنشیان بدانند که با نوشتن این سنگ‌نوشته سعی داشته است برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود از نگاه آیندگان، شجرنامه خود را دست کاری کند.

موافق نوشته‌های هرودوت، لوحه نونید پادشاه بابل، بیانیه کوروش بزرگ (استوانه کوروش)، کتیبه بیستون داریوش اول، و کتیبه‌های اردشیر دوم و اردشیر سوم هخامنشی، ترتیب شاهان این سلسله تا داریوش اول چنین بوده است: (لازم به ذکر است درستی این جدول از هخامنش تا کوروش بزرگ مورد تردید است).

- هخامنش
- ۱ چیش پش اول
- ۲ کمبوجیه اول
- ۳ کوروش اول
- ۴ چیش پش دوم
- شاخه اصلی:
- ۵ کوروش دوم
- ۶ کمبوجیه دوم
- ۷ کوروش بزرگ (سوم)
- ۸ کمبوجیه سوم ( فاتح مصر )
- شاخه فرعی
- آریا رومنه
- ارشام
- ویشتاسب
- ۹ داریوش بزرگ (اول)

با تحلیل کلی تمامی منابع می‌توان به این شکل نتیجه گرفت. در ربع نخست سده ششم ق.م چیش پش پسر هخامنش حکمرانی پارس را به پسر بزرگ‌ترش آریارامنه اعطا کرد در حالی که پسر کوچک‌ترش، کوروش اول به حکمرانی انشان منصوب شد. پس از مرگ آریارامنه، پسر وی ارشام جایگزین وی شد ولی پس از کوروش اول پسرش کمبوجیه اول و پس از او نیز پسر وی کوروش دوم جانشین او شد. این رویدادها در اواسط سده ششم پیش از میلاد به وقوع پیوست.

در این دوران، کوروش بزرگ توانست مادها را به تبعیت خود در آورد و به افتخار و ثروت دست یابد. مدتی بعد کوروش بزرگ بخش‌های بزرگی از مناطق خاورمیانه را به تصرف خود در آورد. بعد از او نیز کمبوجیه راه فتوحات پدرش را ادامه داد و بر گستره شاهنشاهی هخامنشی افزود.

کمبوجیه در بازگشت از مصر فوت کرد. برخی دلیل مرگ وی را بیماری و برخی دیگر توطئه اطرافیان می‌دانند اما مسلم است که وی در مسیر بازگشت از مصر مرده است ولی دلیل آن تا کنون مکتوم باقی مانده است.

پس از مرگ کمبوجیه کسی وارث پادشاهی هخامنشیان نبود. ولی از شاخه دیگر تاج سلطنتی به آرشام یا پسرش ویشتاسب پدر داریوش می‌رسید. آنچه به نظر واقعی می‌رسد این است که داریوش در زمان حیات پدر و پدر بزرگش، با موافقت آنها، حکومت را به دست گرفت. چرا که در زمان ساخت کاخ داریوش در شوش در اوایل حکمرانی وی، بر اساس اطلاعات الواح مکتشوفه از پی بناها، این دو زنده بودند.

- کوروش بزرگ
- کمبوجیه
- بردیای دروغین (گوماته مغ)
- داریوش بزرگ
- خشایارشا (خشایارشا)
- اردشیر یکم (اردشیر درازدست)
- خشایارشای دوم
- سغدیانوس
- داریوش دوم
- اردشیر دوم
- اردشیر سوم
- اردشیر چهارم (ارسس)
- داریوش سوم

#### سلطنت کوروش کبیر

هرودوت و کتزیاس، افسانه‌های عجیبی درباره تولد و تربیت کوروش بزرگ ( ۵۲۹-۵۹۹ ق. م) روایت کرده‌اند. اما آنچه از لحاظ تاریخی قابل قبول است این است که کوروش پسر حکمران انشان، کمبوجیه دوم و مادر او ماندانا دختر ایشتوویگو پادشاه ماد می‌باشد.

در سال ۵۵۲ ق. م کوروش بزرگ همه پارسها را بر علیه ماد برانگیخت. در جنگ بین لشکریان کوروش و ماد، عده‌ای از سپاهیان ماد به کوروش

پیوستند و در نتیجه سپاه ماد شکست خود. پس از شکست مادها، کوروش در پاسارگاد شاهنشاهی پارس را پایه گذاری کرد، سلطنت او از ۵۵۹-۵۳۹ ق.م. است.

کوروش بزرگ که سلطنت ماد را به دست آورد و بعضی از ایالات را به وسیله نیروی نظامی مطیع خود ساخت، همان سیاست کشور گشایی را که هخامنشیان آغاز نموده بود ادامه داد.

کوروش بزرگ دارای دو هدف مهم بود: در غرب تصرف آسیای صغیر و ساحل بحر الروم که همه جاده‌های بزرگی که از ایران می‌گذشت به بنادر آن منتهی می‌شد و از سوی شرق، تأمین امنیت.

در سال ۵۳۸ پ.م. کوروش بزرگ پادشاه ایران، بابل را شکست داد و آن سرزمین را تصرف کرد و برای نخستین بار در تاریخ جهان فرمان داد که هرکس در باورهای دینی خود و اجرای مراسم مذهبی خویش آزاد است، و بدینسان کوروش بزرگ اصل سازگاری بین ادیان و باورها را پایه گذاری کرد و منشور حقوق بشر را بنیان نهاد. کوروش به یهودیان اسیر در بابل، امکان داد به سرزمین یهودیه باز گردند، شماری از آنان به سرزمین ایران کوچ کردند.

#### گسترش کشور و سرزمین

در جنگی که بین کوروش کبیر و کرزوس پادشاه لیدی در گرفت، کوروش در «کاپادوکیه» به کرزوس پیشنهاد کرد که مطیع پارس شود، کرزوس این پیشنهاد را قبول نکرد و جنگ بین طرفین آغاز گردید. در اولین برخورد، فتح با کرزوس بود، بالاخره در جنگ شدیدی که در محل «پتریوم» پایتخت هیتها اتفاق افتاد، کرزوس به سمت سارد فرا کرد و در آنجا متحصن شد، کوروش شهر را محاصره کرد و کرزوس را دستگیر کرد، لیدی تسخیر شد و به عنوان یکی از ایالات ایران به شمار آمد، پس از تسخیر لیدی کوروش متوجه شهرهای یونانی شد و از آنها نیز، تسلیم به قید و شرط خواست که یونان رد کردند. در نتیجه شهرهای یونانی یکی پس از دیگری تسخیر شدند. کوروش فتح آسیای صغیر را به پایان رساند و سپس متوجه سرحدات شرقی شد، زرنگ و رخج مرو و بلخ یکی پس از دیگری در زمره ایالات جدید درآمدند. کوروش از جیحون عبور کرد و به سیحون که سرحد شمال شرقی کشور تشکیل می‌داد، رسید و در آنجا شهرهایی مستحکم، به منظور دفاع

از حملات قبایل آسیای مرکزی بنا کرد. کوروش در بازگشت از سرحدات شرقی، عملیاتی در طول سرحدات غربی انجام داد. ضعف بابل، به واسطه بی کفایتی نبونید، سلطان بابل و فشارهای مالیاتی، کوروش را متوجه بابل کرد، بابل بدون دفاع سقوط کرد و پادشاه آن دستگیر شد. کوروش در همان نخستین سال سلطنت خود در بابل، فرمانی مبنی بر آزادی یهودیان از اسارت و بازگشت به وطن و تجدید بنای معبد خود در بیت المقدس انتشار داد.

نام سرزمینهای تابع، در کتیبه ای متعلق به مقبره داریوش که در نقش رستم می باشد، به تفصیل این گونه آمده است: ماد، خووج (خوزستان) پرتوه (پارت)، هری ب و (هرات)، باختر، سفد، خوارزم، زرنگ، آراخوزیا (رخج، افغانستان جنوبی تا قندهار)، تته گوش (پنجاب)، گنداره (کابل)، پیشاور، هندوش (سند)، سکاھوم ورکه (سکاهای ماورای جیحون)، سگاتیگره خود (سکاهای تیز خود، ماورای سیحون)، بابل، آشور، عربستان، مودرایه (مصر)، ارمینه (ارمن)، کته په توك (کاپادوکیه، بخش شرقی آسیای صغیر)، سپرد (سارد، لیدیه در مغرب آسیای صغیر)، یئونه (ایونیا، یونانیان آسیای صغیر)، سکایه تردریا (سکاهای آن سوی دریا: کریمه، دانوب)، سکودر (مقدونیه)، یئونه تک برا (یونانیان سپردار: تراکیه، تراس)، پوتیه (سومالی)، کوشیا (کوش، حبشه)، مکیه (طرابلس غرب، برقه)، کرخا (کارتاز، قرطاجنه یا کاریه در آسیای صغیر).

### مرگ کوروش کبیر

در اثر شورش ماسازت‌های نیمه صحرا گرد، که یک تیره سکاهای در آن طرف رودخانه آراکس بودند، مرزهای شمال شرقی مورد تهدید قرار گرفت. کوروش بزرگ، کمبوجیه را به عنوان شاه بابل انتخاب کرد و به جنگ رفت. در ابتدا موفقیت‌هایی بدست آورد اما ملکه تومیری او را به داخل سرزمین خود کشاند و کوروش درنبرد سختی، شکست خورد و زخم برداشت و بعد از سه روز درگذشت. جسد وی را به پاسارگاد آوردند و در مقبره‌ای دفن کردند. پس از مرگ کوروش بزرگ، فرزند ارشد او کمبوجیه به سلطنت رسید.

سلطنت کمبوجیه کمبوجیه، هنگامی که قصد لشکرکشی به سوی مصر را داشت، از ترس توطئه دستور قتل برادرش بردیا را صادر کرد. در راه بازگشت

کمبوجیه از مصر، یکی از موبدان دربار به نام گئومات مغ، که شباهت به بردیا داشت، خود را به جای بردیا قرار داده و پادشاه خواند.

کمبوجیه با شنیدن این خبر در هنگام بازگشت، یک شب و به هنگام باده نوشی خود را با خنجر زخمی کرد که بر اثر همین زخم نیز درگذشت (۵۲۱ پ. م.). کمبوجیه در بازگشت از مصر فوت کرد. ولی برخی دلیل مرگ وی را بیماری و برخی دیگر توطئه اطرافیان می‌دانند اما مسلم است که وی در مسیر بازگشت از مصر مرده است ولی دلیل آن تا کنون مکتوم باقی مانده است. پس از مرگ کمبوجیه کسی وارث پادشاهی هخامنشیان نبود.

کوروش بزرگ، در بستر مرگ، بردیا را به فرماندهی استان‌های خاوری شاهنشاهی ایران گماشت. کمبوجیه دوم، پیش از رفتن به مصر، از آنجا که از احتمال شورش برادرش می‌ترسید دستور کشتن بردیا را داد. مردم از کشته شدن او خبر نداشتند و در سال ۵۲۲ پ. م. شخصی به نام گوماته مغ خود را به دروغ بردیا نامید و اعلام شاه بودن کرد. چون مردم بردیا دوست داشتند و به سلطنت او راضی بودند و از طرفی هیچ کس از راز قتل بردیا مطلع نبود، دل از سلطنت کمبوجیه برداشتند و سلطنت بردیا (گئوماتا) را با جان و دل پذیره شدند و این همان اخباری بود که در سوریه به گوش کمبوجیه رسید و سبب خودکشی او شد.

در متون تاریخی از وی به عنوان بردیای دروغین یاد شده است. در کتیبه بیستون نزدیک کرمانشاه گوماته مغ زیر پای داریوش بزرگ نشان داده شده است. داریوش شاه که از سوی کوروش بزرگ به فرمانداری مصر برگزیده شده بود پس از دریافتن ماجرا به ایران می‌آید و بردیای دروغین را از پای درآورده به تخت می‌نشیند.

کارهای گوماته مغ سبب سوء ظن درباریان هخامنشی شد که در رأس آنان داریوش پسر ویشناسب هخامنشی بود. هفت تن از بزرگان ایران که داریوش بزرگ نیز در شمار آنان بود توسط یکی از زنان حرمسرای گئوماتا که دختر یکی از هفت سردار بزرگ ایران بود و موفق به دیدن گوشه‌های بریده او شده بود پرده از کارش برکشیدند و روزی به قصر شاهی رفتند و نقاب از چهره اش برگرفتند و با این خیانت بزرگ او و برادرش و محارم او که به دربار

راه یافته بودند نبود کردند و هم در آنروز عده زیادی از مغان را به قتل رساندند و به سلطنت هفت ماهه او خاتمه بخشید.

### سلطنت داریوش بزرگ

داریوش کبیر (داریوش اول، داریوش بزرگ) (۴۸۶-۵۴۹ ق. م.) سومین پادشاه هخامنشی (سلطنت از ۵۲۱ تا ۴۸۶ ق. م.). فرزند ویشتاسپ (گشتاسپ) بود. ویشتاسپ فرزند ارشام و ارشام پسر آریارمنا بود.

ویشتاسپ پدر او در زمان کوروش ساتراپ (والی) پارس بود. داریوش در آغاز پادشاهی با مشکلات بسیاری روبرو شد. غیبت کمیوجیه از ایران چهار سال طول کشیده بود. گئومات مغ هفت ماه خود را به عنوان برادر کمیوجیه بر تخت مستقر ساخته و بی‌نظمی و هرج و مرج را در کشور توسعه داده بود. در نقاط دیگر کشور هم کسان دیگر بدعوی اینکه از دودمان شاهان پیشین هستند لوای استقلال برافراشته بودند. شرحی که از زبان داریوش در کتیبه بیستون از این وقایع آمده جالب است و سرانجام همه بکام او پایان یافت. داریوش این پیروزی‌ها را در همه جا نتیجه، لطف اهورامزدا میداند، می‌گوید:

«هرچه کردم بهرگونه، به اراده اهورامزدا بود. از زمانیکه شاه شدم، نوزده جنگ کردم. به اراده اهورامزدا لشکرشان را درهم شکستم و ۹ شاه را گرفتم... ممالکی که شوریدند دروغ آنها را شوراند. زیرا به مردم دروغ گفتند. پس از آن اهورامزدا این کسان را بدست من داد و با آنها چنانکه میخواستم رفتار کردم. ای آنکه پس از این شاه خواهی بود با تمام قوا از دروغ بپرهیز. اگر فکر کنی: چه کنم تا مملکت من سالم بماند، دروغگو را نابود کن...».

طبیعی بنام دموک دس که در دستگاه اری‌تس بود و به اسارت بزدان داریوش افتاده بود، هنگامی که زخم پستان آتوسا دختر کوروش و زن داریوش را درمان میکرد او را واداشت که داریوش را به لشکرکشی بسرزمین یونان ترغیب کند. باید خاطرنشان ساخت که این پزشک، یونانی بود و داریوش او را از بازگشت بوطن محروم کرده بود. دموک دس بملکه گفته بود که خود او را به‌عنوان راهنمای فتح یونان به داریوش معرفی کند و بگوید که شاه با داشتن چنین راهنمایی بخوبی می‌تواند بر یونان چیره شود. این طبیب یونانی خود را به‌مراه هیأتی از پارسیان به روم و یونان رساند و در

آنجا بخلاف میل داریوش، در شهر کرتن که میهن اصلی او بود ماند و دیگر به ایران نیامد و هیأت پارسی که برای آشنا شدن بوضع یونان و فراهم کردن زمینه، تسخیر آن دیار رفته بود بی نتیجه بمیهن بازگشت.

داریوش پس از فرونشاندن شورشهای داخلی و سرکوبی یاغیان، تشکیلات کشوری و اداری منظمی بوجود آورد که براساس آن تمام کشورها و ایالات تابع شاهنشاهی او بتوانند با یکدیگر و با مرکز شاهنشاهی مربوط و از نظر سازمان اداری هماهنگ باشند.

لشکرکشی داریوش به اروپا: در ازمنهء مختلف تاریخی قبایل آریایی سکاها در نقاط مختلف سرزمین وسیعی که از ترکستان روس تا کنارهء دانوب، در مرکز اروپا امتداد داشت مسکن داشتند. بطور کلی از نظر تمدن در مرحلهء پایینی بوده‌اند.

هروقت در شرح حمله داریوش به سکائیه نوشته است که سکاها از جنگ با او احتراز کردند و بداخل سرزمین خود عقب نشستند و چون بیابان وسیع در پیش پای آنها بود، آنقدر داریوش را بدنبال خود کشیدند که او از ترس فحطی آذوقه تصمیم گرفت به ایران برگردد. اما با اینکه در این حمله پیروزی شاهانه‌ای بدست نیاورد سکاها را برای همیشه از حمله به ایران و ایجاد زحمت برای مردم شمال این آب و خاک منصرف ساخت.

تسخیر هند: داریوش متوجه پنجاب و سند شد. در سال ۵۱۲ ق. م. ایرانیان از رود سند گذشتند و قسمتی از سرزمین هند را گرفتند داریوش فرمان داد تا کشتی‌هایی بسازند و از طریق دریای عمان به پنجاب و سند بروند. این دو نقطه، زرخیز و پربروت برای ایران آنروز بسیار مهم بود. این چیرگی پارسیان در تاریخ هند مبدأ دوران تازه‌ای گردید و سرنوشت هند را دگرگون ساخت.

داریوش ولیعهد خود را برگزید و هنگامی که آخرین تدارکات خود را برای جنگ مصر و یونان میدید پس از ۲۶ سال پادشاهی درگذشت. این واقعه در سال ۴۸۶ ق. م. بوده است. آرامگاه داریوش اول در فاصله چهارهزار و پانصد متری تخت جمشید، در نقش رستم است.

در زمان او حدود متصرفات شاهنشاهی ایران از يك سو به چین و از سوی دیگر به قلب اروپا و افریقا میرسید.

### برافتادن شاهنشاهی هخامنشی

شناخت تمدن ایران دوران هخامنشیان که تا "ثیری بنیادین بر دورانهای بعد گذارده است، برای شناخت جامع فرهنگ ایران گریزناپذیر می باشد. از نظر نام و عنوان، این درست است که شاهنشاهی بزرگ ماد دورانی طولانی نیاید و جای خود را به شاهنشاهی هخامنشی سپرده، ولی نکته بسیار مهم آنکه شاهنشاهی هخامنشی چیزی جزه تداوم دولت و تمدن ماد نبود. همان اقوام و همان مردم، روندی را که برگزیده بودند با پویایی و رشد بیشتر تداوم بخشیدند و در پهنه ای بسیار وسیع، آن را تا پایه بزرگترین شاهنشاهی شناخته شده جهان، اعتبار بخشیدند.

مدت دوام شاهنشاهی هخامنشی ، ۲۲۰ سال بود. فرمانروایی آنان در قلمرو شاهنشاهی - به خصوص در اوایل عهد - موجب توسعه فلاحات ، تامین تجارت و حتی تشویق تحقیقات علمی و جغرافیایی نیز بوده است . مبانی اخلاقی این شاهنشاهی نیز به خصوص در عهد کسانی مانند کوروش و داریوش بزرگ متضمن احترام به عقاید اقوام تابع و حمایت از ضعفا در مقابل اقویا بوده است ، از لحاظ تاریخی جالب توجه است . بیانیه معروف کوروش در هنگام فتح بابل را ، محققان يك نمونه از مبانی حقوق بشر در عهد باستان تلقی کرده اند.

هخامنشیان ۲۲۰ سال (از ۵۵۰ پیش از میلاد تا ۳۳۰ پیش از میلاد) بر بخش بزرگی از جهان شناخته شده آن روز از رود سند تا دانوب در اروپا و از آسیای میانه تا شمال شرقی افریقا فرمان راندند. شاهنشاهی هخامنشی به دست اسکندر مقدونی برافتاد.